

نگرشی قرآنی به عملکرد اخلاقی اولین مخاطب قرآن کریم

دکتر سید الوهاب طالقانی

* چکیده:

توجه تام رسول الله (ص) به قرآن کریم بعنوان اولین مخاطب قرآن، سیره و شخصیت آن حضرت را شایسته تأسی کرده است. «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة» (احزاب/۲۱) هر سیره‌ای به هر میزان و با هر مرتبه از مراتب قرآن هماهنگی کند به همان اندازه قرآنی است و چون رسول خدا (ص) سیره‌اش را بر حقایق قرآنی تنظیم کرده است، سیره آن حضرت کاملترین سیره‌هاست، از این رو درباره رسول اکرم (ص) آمده است:

کان خلقه القرآن (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۶ ص ۳۴۰) از این رو نگرشی قرآنی به عملکرد اخلاقی رسول الله (ص) داشته و عملکرد اخلاقی و تربیتی ایشان رابرای تحول آفرینی و هدایت بخشی در جامعه جهانی بشری براساس آیات قرآن بررسی نموده‌ام از جمله اصول مطرح در عملکرد اخلاقی و تربیتی رسول الله (ص) می‌توان به حفظ کرامت انسانی، حفظ حرمت انسانی، تحکیم روابط اجتماعی، ترغیب به فضائل انسانی و نهی از رذائل اخلاقی، حمایت از مستضعفان صالح، ایجاد روحیه تلاش برای کسب فلاح و سعادت و پاکسازی محیط از افکار و رسوم جاهلی و احیاء و تکمیل مکرمت‌ها و فضائل اخلاقی اشاره نمود که در این مقاله از مبادی و مقدمات موضوع صرف‌نظر نموده و به ارائه عملکرد اخلاقی رسول الله (ص) پرداخته‌ایم.

اصل اول: حفظ کرامت انسانی:

رسول الله (ص) براساس آیات قرآن از سه طریق به حفظ کرامت انسانی انسان‌ها پرداخته‌اند

۱- از طریق علم:

(الف) ... هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون (زمر/۹)

(ب) ... یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات (مجادله/۸۸-۹۱)

۲- از طریق مجاهده:

- لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلاً وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیماً (نساء/۹۵)

مومنان بازنشسته (از جهاد) که هیچ عذر و معلولیتی ندارند با کسانی که با مال و جان خویش در راه خدا

جهاد می کنند برابر نیستند ، خداوند مجاهدان با مال و جان خویش را بر بازنشستگان به درجه ای (بس بلند) برتری داده است و همه را خداوند وعده پاداش نیکو داده و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به پاداشی بزرگ برتری داده است.

۳ - از طریق تقوی : ... ان اكرمکم عند الله اتقاکم (حجرات ۱۳۴۹)

اصل دوم : حفظ حرمت خود از طریق معرفت النفس

رسول الله (ص) با دعوت افراد به مراقبه، تهذیب نفس و شناخت خویش و آیات الهی موجود در وجود انسان زمینه را برای حفظ حرمت و عظمت انسان و پرهیز از بیهوده‌انگاری و بی‌هدفی فراهم آورده است.

یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لایضرنکم من ضل اذا اهدینکم الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون (مائده/۱۰۵)

- ای کسانی که ایمان آورده اید خود را بیائید ؛ هرگاه خود راه یافته باشید (گمراهی) کسی که گمراه شده به شما زبانی نخواهد رساند ؛ بازگشت همه شما بسوی خداست پس شما را از آنچه می کردید آگاه خواهد ساخت.

اصل سوم : تحکیم روابط اجتماعی با برقراری :

الف) قسط و عدالت :

۱- یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین ان ینکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلووا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیراً (نساء/۱۳۵/۴)

- ای کسانی که ایمان آورده اید، برپادارندگان عدالت و گواهی دهندگان برای خدا باشید گرچه به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشان تمام شود، که اگر آنکس توانگر یا تهیدست باشد خدا به هر دو سزاوارتر است (و مصلحت آنان را بهتر می داند)، پس در پی خواهش دل نروید تا از حق و عدالت دست بکشید و اگر سخن را بتابانید یا رویگردان شوید (اگر شهادت ناحق دهید یا اصلاً شهادت ندهید) خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۲- یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنن ان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون (مائده/۸۵)

- ای کسانی که ایمان آورده اید، به پایخیزندگان برای (ادای حقوق) خدا و گواهان به عدالت باشید و دشمنی با قومی، شما را بر آن ندارد که عدالت نورزید، عدالت ورزید که به تقوا نزدیک تر است و از خدا پروا کنید که خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۳- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیمیزان لیمیزان لیمیزان لیمیزان بالقیسط (حدید/۲۵)

- همانا فرستادگان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان (قوانین حق و عدل) فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.

ب) الفت و وحدت و ترک دشمنی و مخاصمه :

۱- واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ وَ مِنَ النَّارِ فَانْقَضَتْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمن یکدیگر بودید پس میان دل‌های شما الفت نهاد و به نعمت او با هم برادر شدید و بر لب پرتگاهی از آتش بودید پس شما را از آن رهایی داد؛ خدا این چنین آیات خود را برای شما روشن می‌سازد، باشد که هدایت یابید.

۲ - وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال ۳۶/۸)

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید، که سست و بد دل می‌شوید و قدرت و شوکتان از میان می‌رود و شکیبائی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

ج) معاونت بر نیکی و پرهیزکاری:

... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (مائده ۲/۵)

د) اصلاح ذات‌البین و عفو و اغماض و رفتار نیکو:

۱ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ (حجرات ۱۰/۳۹)

۲ - ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ (انفال ۱/۸)

۳ - ... وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تَجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ (نور ۲۲/۳۴)

۴ - ... وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ (آل عمران ۱۳۴/۳)

۵ - خذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف ۱۹۹/۷)

۶ - وَ لَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيدٌ

وَ مَا يَلْفَتْحُهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يَلْفَتْحُهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ (فصلت ۳۵/۳۲، ۳۵)

اصل چهارم: ترغیب به فضائل اخلاقی و اجتناب از رذائل:

الف) ... إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ: تنها خردمندان تذکر می‌یابند

۱ - الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ: همان کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند

۲ - وَ لَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ: و پیمان نمی‌شکنند

۳ - وَ الَّذِينَ يَصْلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ: و آنان که با آنچه خداوند به پیوند با آن فرمان داده؛ می‌پیوندند

۴ - وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ: و از پروردگارشان بیم دارند

۵ - وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ: و از سختی حساب می‌ترسند

۶ - وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ: و آنان که برای جلب خشنودی پروردگارشان صبر کردند

۷ - وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ: و نماز را به پا داشتند

۸ - وَ أَنْقَضُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً: و از آنچه روزی آنها کردیم؛ نهان و آشکارا انفاق نمودند

۹ - وَ يَدْرُتُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ: و بدی را با نیکی دور می‌سازند

أُولَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ: آنانند که سرانجام (نیک) آن سرای؛ از آن آنهاست (عد۱۳/۲۳۵۶)

(ب) و عباد الرحمن : و بندگان خدای رحمان :

۱ - الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا : آنانند که با فروتنی (آرام و طبیعی) روی زمین راه می روند
۲ - و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا : و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند سخنی ملایم گویند
۳ - وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا : و آنان که شب را در حال سجده و قیام برای پروردگارشان بسر
برند

۴ - وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ... : و آنان که گویند : پروردگارا ! عذاب دوزخ را از ما
بگردان

۵ - وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا : و آنان که چون خرج و انفاق کنند :

۶ - لَمْ يَسْرِفُوا و لَمْ يَقْتُرُوا و كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا : نه زیاده روی کنند و نه تنگ و سخت گیرند و انفاق
آنها حد معتدلی میان این دو باشد

۷ - وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ : و آنان که با خداوند خدای دیگری نخوانند

۸ - و لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ : و کسی را که خداوند جانش را محترم شمرده (ریختن
خون او را حرام کرده) جز به حق نکشند

۹ - و لَا يَزْنُونَ ... و زنا نکنند (فرقان ۲۵/۶۸ تا ۲۶/۶۸)

(ج) إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الْإِحْسَانِ و إِيْتَايَ ذِي الْقُرْبَى

خداوند به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوند فرمان می دهد
و يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ و الْمُنْكَرِ و الْبَغْيِ

و از کارهای زشت و ناپسند و ستمگری باز می دارد

يُعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ : (نحل ۹۰/۱۶)

شما را پند می دهد شاید تذکر یابید

اصل پنجم : حمایت از مستضعفان صالح :

(الف) و تُرِيدُ أَنْ تُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ و نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً و نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص ۵/۲۸)

(ب) و لَقَدْ كُنَّا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء ۱۰۵/۲۱)

- و تحقیقاً پس از پندنامه تورات ؛ در زبور هم نوشتیم که (ملک) زمین را بندگان شایسته من به ارث
خواهند برد.

(ج) و مَا لَكُمْ لَاتُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ و الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ و النِّسَاءِ و الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا
أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلِيَّهَا و اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا و اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (نساء ۷۵/۲۴)

- و شما را چیست که در راه خدا و (آزادسازی) مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید؟ آنان
که گویند : پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند (شهر مکه) بیرون بر و از سوی خود
برای ما سرپرستی قرار ده و از سوی خود برای ما یآوری بگمار.

حمایت از ایتام و حقوق آنها و تلاش در رفاه و تعلیم و تربیت آنها :

(الف) وَ اتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (نساء: ۲/۴)

و اموال یتیمان را به آنان باز دهید (در کودکی به دادن مخارج آنان و در بلوغ به دادن اصل مال) و پلید را با پاکیزه عوض نکنید و اموال آنان را با اموال خود مخورید که آن گناهی بزرگ است.

(ب) إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (نساء: ۱۰/۴)

بی گمان آنان که مال های یتیمان را به ستم می خورند جز این نیست که شکمی پر از آتش می خورند و به زودی به آتشی افروخته درخواهند آمد.

(ج) وَ لَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارزُقوهم فیها

و افسوسهم

وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء: ۵/۴)

و اموالتان را که خداوند سبب قوام (زندگانی) شما قرار داده به کم خردان مدهید و از درآمد آن ، خوراک و پوشاکشان دهید و با آنان به گونه ای شایسته سخن گوید.

در این آیه ، اولاً مال را مایه قوام و ثبات جامعه معرفی نموده واز یتیمان بخاطر عدم بلوغ و رشد آنها ، (سفیهان - سفهاء) یاد شده است و به منظور حفظ اموال و دارائی آنها ، دستور آمده مالشان را در اختیار آنها قرار ندهید اما با مال آنها تجارت کنید و از منافع مال ، سه مسأله اساسی و حیاتی یتیمان را بنحو احسن تأمین نمائید.

۱ - و ارزقوهم فیها (زندگی روزمره آنها از منافع مال ، تأمین شود و اصل مال باید محفوظ بماند)

نکته : اگر فرموده بود و ارزقوهم منها ، مراد اصل مال بود ، اما فرموده است (فیها)

۲ - و افسوسهم (پوشاک آنها را تأمین کنید)

۳ - و قولوا لهم قولاً معروفاً (تعلیم و تربیت و رشد اخلاقی آنها را برعهده بگیرید.

توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است : تا زمانی سرپرستان حق دارند اموال یتیمان را در اختیار خود قرار دهند که به حد رشد نرسیده اند اما به محض آنکه در آزمایش ، رشد عقلانی آنها ثابت گردید باید اموال آنها را به آنها برگردانند.

- وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ

و در پایان آیه ، چهار مسأله بسیار حساس و مبتلی به جامعه را صریحاً یادآور می شود :

۱ - سرپرستان ایتام ، مادامی که اموال آنها را در اختیار دارند ، حفظ اصل مال آنها ، بر آنان مهم و واجب است و از هزینه کردن اموال آنها و استفاده غیرمجاز به بهانه های مختلف ، باید سخت بپرهیزند.

- وَ لَا تَأْكُلُوها إِسْرَافًا وَ بَدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا

قبل از بزرگ شدن یتیمان ، مال آنها را به اسراف و زیاده روی مخورید.

۲ - سرپرست اگر غنی و بی نیاز باشد ، نباید چشم داشت به مال یتیم داشته باشد و با بزرگواری و

عفاف ، از مال یتیم چشم به پوشد و چیزی به عنوان حق الزحمه بر ندارد.

- وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ

- و اگر سرپرست ، خود فقیر و نیازمند باشد ، در حد متعارف و معمول برای خود حقی مشخص و از مال یتیم بردارد.

- وَ مِنْ كَانٍ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ

۴- مسأله ای که رعایت آن از بروز اختلافات و خصومت های بعدی جلوگیری می کند و عدم رعایت آن ، مشکلات زیادی را بعداً به وجود می آورد این است که سرپرستان بهنگام تحویل اموال یتیمان در زمان ثبوت رشد آنها ، باید آشنایان و افراد مورد اعتماد طرفین را شاهد بگیرند .

- فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِإِلَهِهِمْ حَسِيبًا (نساء/۶۴)

اصل ششم : سعادت افراد در گرو تلاش آنها است

در این مقوله ، بحث را از چند منظر پی می گیریم :

۱- استعداد و توان افراد چون متفاوت است ، تکلیف نیز مناسب با قدرت افراد تعیین می شود :

(الف) لَا يَكُفُّ لَكُمْ اللَّهُ تَنَاسًا إِلَّا وَسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ... (بقره/۲۸۶)

خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند هر که هر چه خوبی کند به سود اوست و هر چه بدی کند به زیان اوست

(ب) ... لَا تَكُفُّ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا ... (بقره/۲۳۲)

(ج) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نَكُفُّ عَنْهُمْ إِلَّا وَسْعَهَا ... (اعراف/۴۲)

۲- سرنوشت و سعادت هر فرد در گرو تلاش خود اوست :

(الف) وَ أَنْ لَيْسَ لِلإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجِزَاءَ الْاَوْفَىٰ (نجم/۵۲-۵۳)

و آدمی را جز آنچه تلاش کرده نیست * و تلاش او را به زودی به او بنمایند * آنگاه بر اساس همان تلاش ؛ جزای کامل داده شود.

(ب) وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (اسراء/۱۷)

و هر که (سرای) آخرت خواهد و برای آن کوشش درخور آن کند و مومن باشد ؛ چنین کسانی کوشش آنان مورد تقدیر و سپاس خواهد بود

(ج) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (مذثر/۳۸)

۳- خداوند تغییر دهنده سرنوشت ملت ها نیست ، این خود مردم هستند که با اعمال آزادانه و مختارانه خود ، سرنوشتشان را تعیین و یا تغییر می دهند :

(الف) ... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ... (رعد/۱۷)

(ب) ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ... (انفال/۵۳)

۴- انسانها با هر توان ذاتی ، بهنگام عمل خود ، از نعمت اختیار و آزادی کامل برخوردار هستند :

(الف) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا (انسان/۲۷۶)

(ب) وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ ... (کهف/۲۷۱)

و بگو : حق از سوی پروردگارتان است ؛ هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کفر ورزد ...

(ج) إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (انسان/۲۷۶)

بی شک این یادآوری و پندی است ؛ پس هر که خواست می تواند راهی بسوی پروردگارش پیش گیرد

۵ - هرکس مسئول عمل خود می باشد و گرفتاری دیگری را هرگز بر او تحمیل نمی کنند و عذاب و عتاب پس از آمدن پیامبران و آگاهی کامل و اتمام حجت ، تحقق می پذیرد :

مَنْ اهْتَدَى فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا
و لا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرَى وَ مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُوْلًا (اسراء/۱۷)

هرکس هدایت یافت ، فقط به سود خودش هدایت یافته و هرکس گمراه شد ، فقط به زیان خودش گمراه می شود و هیچ بردارنده گناهی بار گناه دیگری را به دوش خود بر نمی دارد ، و ما بدون اینکه پیامبری را (برای هدایت و اتمام حجت به سوی مردم) بفرستیم ، عذاب کننده (آنان) نبودیم.

اصل هفتم : پاکسازی محیط از شرک و رسوم جاهلی

خداوند متعال ، رسالت پیامبر خود را در پنج اصل کلی بیان می کند : در اصل پنجم آمده است :

- و يضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم (اعراف/۱۵۷)

این پیامبر ، مردم را از قید و بندها و رسوم جاهلی و خرافات دست و پاگیر که چون غل و زنجیر ، آنها را گرفتار کرده بود ، آزاد و رها نموده است.

نمونه آن رسوم جاهلی را در آیات زیر می خوانید :

۱ - کشتن دختران و زنده به گور کردن آنها :

الف) وَ اِذَا بَشَّرْنَا اَحَدَهُمْ بِالْاُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ *

یتواری من القوم من سوء ما بشر به

ایمسکه علی هون ؟

ام یدسه فی التراب ؟

ألا ساء ما یحکمون (نحل/۵۹)

و هرگاه یکی از آنان را به آوردن دختر مزده دهند ، (رنگ و) رویش تیره شود و خشم گلویش را بفشرد * خود را از آن قوم پنهان کند از زشتی آنچه مزده اش داده اند (و با خود می اندیشد که) آیا او را با سرافکنده گی نگه دارد ؟ یا در زیر خاک پنهان کند؟! هس دارید که بد حکمی می کنند.

ب) ... وَ لا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ اِیَّاهُمْ... (انعام/۱۵۱)

... و فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید ؛ که ما شما و آنان را روزی می دهیم ...

ج) وَ لا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ خَشِیةَ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ اِیَّاکُمْ... (اسراء/۱۷)

۲ - بجای طواف خانه خدا ، سوت کشیدن و کف زدن :

- وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ الْاَمْکَاءَ وَ تَصَدِیةً... (انفال/۲۵)

چه عادتی سخیف تر از آنکه نماز و عبادت آنها در خانه خدا ، سوت کشیدن و کف زدن باشد.

۳ - تقلید کورکورانه آنها از پدران و نیاکان خود و پیروی نکردن از منطق و استدلال :

الف) وَ اِذَا قِيلَ لَهُمْ اَتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا اَلْفِیْنَا عَلَیْهِ اِباءُنَا اَوْ لَوْ کَانَ اَبَاؤُهُمْ لَا یَعْقِلُوْنَ شَیْئًا وَ

لا یتفنون (بقره/۱۷۰)

و چون به آنان (به مشرکان یا برخی یهود) گویند که از آنچه خدا نازل کرده ، پیروی کنید ، گویند : بلکه از آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ، پیروی می کنیم . آیا (چنین کنند) گرچه پدرانشان چیزی نمی فهمیده و راه یافته نبوده باشند؟!

ب) وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلَىٰ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَ اِلَى الرَّسُوْلِ قَالُوْا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اَبَاءَنَا اَوْ لَوْ كَانَ اٰبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَّ لَا يَهْتَدُوْنَ (مائده/۱۰۴)

و چون به آنان گفته شود که به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید ، گویند : آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم ما را بس است ، آیا اگرچه پدرانشان چیزی ندانند و راه یافته نباشند (باز هم از آنان پیروی می کنند) !؟

ج) وَاِذَا قَعَلُوْا فَاحْسَبْهُ قَالُوْا وَجَدْنَا عَلَيْهِا اَبَاءَنَا وَّ اللّٰهُ اَمَرْنَا بِهَا قُلْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاۗءِ اَتَقُوْلُوْنَ عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ (اعراف/۲۸۷)

و چون کار زشتی کنند ، گویند پدران خود را بر آن کار یافته ایم و خداوند ما را به آن فرمان داده است ! بگو : مسلماً خداوند به کار زشت فرمان نمی دهد . آیا چیزی را بر خدا (به دروغ) می گویند که خود نمی دانید!؟

د) اِذْ قَالِ لَا بِيْهٖ وَ قَوْمِيْهٖ مَا هٰذِهِ التَّمٰثِيْلُ الَّتِي اَنْتُمْ لَهَا عٰكِفُوْنَ * قَالُوْا وَجَدْنَا اَبَاءَنَا لَهَا عٰبِدِيْنَ * قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ اَنْتُمْ وَّ اٰبَاؤُكُمْ فِى ضَلٰلٍ مّبِيْنٍ (انبیاء/۲۱ تا ۵۴)

آنگاه که به پدر (عمو و سرپرست) و قوم خود گفت : این مجسمه ها چیست که پیوست سر بر آستانشان دارید ؟! * گفتند : پدران خود را پرستش کننده آنها یافتیم (و به سنت آنها وفادار خواهیم بود) . * گفت راستی که شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده اید .

ه) وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوْا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلِ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اَبَاءَنَا اَوْ لَوْ كَانَ الشّٰيْطٰنُ يَدْعُوْهُمْ اِلٰى عَذَابِ السّعِيْرِ (لقمان/۲۱ تا ۳۱)

و چون به آنان گفته شود که از آنچه خدا فرو فرستاده پیروی کنید ، گویند : بلکه ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم ، پیروی می کنیم! آیا (از آیین شیطانی پدرانشان پیروی می کنند) هرچند که شیطان آنان را به عذاب افروخته فرا خواند !؟

و) بَلِ قَالُوْا اِنَّا وَجَدْنَا اَبَاءَنَا عَلٰى اٰمِهٖ وَاَنَا عَلٰى اٰثَارِهِمْ مُهْتَدُوْنَ * وَ كَذٰلِكَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِى قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالِ مُتَرَفُوْهُا اِنَّا وَجَدْنَا اَبَاءَنَا عَلٰى اٰمِهٖ وَاَنَا عَلٰى اٰثَارِهِمْ مُفْتَدُوْنَ (زخرف/۲۲ تا ۲۳)

(چنین نیست) بلکه گفتند : ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و ما هم بر پی آنان ره جویم * و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم کننده ای نفرستادیم جز آنکه مردمان مرفه و مغرور آن گفتند : ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم و ما هم بر پی آنان روانیم .

۴ - مردم جاهلی ، زنان خود را با (ظهار) بر خود حرام می دانستند ، قرآن آنها را رد کرده است .

۵ - مردم جاهلی ، پسر خوانده را پسر خود می دانستند ، قرآن می فرماید : پسر خوانده ، پسر نیست - ... وَمَا جَعَلْ اَزْوَاجَكُمْ الَّتِي تَظَاهَرُوْنَ مِنْهُنَّ اُمَّهَاتِكُمْ وَّ مَا جَعَلَ اَدْعِيَاءَكُمْ اَبْنَاءَكُمْ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ وَّ اللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ ... (احزاب/۴ تا ۳۳)

- ... و همسرانتان را که همواره با آنان (ظهار) می کنید (یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی ، با خواندن صیغه خاص آنان را به منزله مادرانتان به شمار آورده بر خود حرام می نمائید) مادران شما نگردانیده و پسر خواندگانتان را پسران (واقعی) شما ننموده است . این سخن باطل و بی پایه شماس است که به زبان شما جاری است و خدا همواره حق را می گوید .

۶ - مردم جاهلی ، زن پسر خوانده را از محارم می دانستند و پس از مطلقه شدن ، ازدواج با او را ممنوع دانسته ، قرآن صریحاً می فرماید : اینچنین نیست :

... فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكُمَا لِيَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَعْلُومًا ... (احزاب ۳۷/۳۸)

... پس هنگامی که (زید) نیاز خود را از همسرش به پایان برد (و او را طلاق داد) وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مومنان نسبت به ازدواج با همسران پسرخوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند، سختی و حرجی نباشد و همواره فرمان خدا شدنی است.

۷- مردم جاهلی، خوردن گوشت بعضی از حیوانات را بر خود ممنوع کرده بودند و اسلام آنها را حلال اعلام کرده است:

... مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثِيرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (مائده ۱۰۳/۱۰۴)

خدا هیچ حیوانی را بعنوان بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد) و سائبه (شتری که ده ماده زاییده) و وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر است) و حام (شتر نری که ده شتر از او پدید آمده) مقدس و ممنوع از تصرف قرار نداده است ولی کسانی که کفر ورزیده اند (این امور را) بر خدا دروغ می بندند.

۸- عرب، زن را مانند سایر اموال متوفی، به ارث می گرفت.

اگر خود می خواست از او بعنوان همسر استفاده می کرد.

و الا او را به همسری دیگران می داد و مهریه اش را خود تصرف می کرد.

و یا اینکه آن زن را زندانی می کرد و بر او سختی می گرفت تا آنچه از شوهرش به او رسیده، به او بپردازد.

و برخی اگر زنی را به زناشویی می گرفتند پس از بهره گیری از او، عرصه را بر او سخت کرده تا ثروتش را به شوهرش بدهد و یا لااقل مهریه اش را به او ببخشند.

قرآن تمامی این راههای غیرانسانی و غیرعاطفی را تعطیل اعلام می کند و می فرماید:

... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلْ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَاءِ آيَاتِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجَمِّلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء ۱۹۴)

ای اهل ایمان! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند (و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می کنید) حلال نیست و آنان را در تنگنا و فشار نگذارید تا بخشی از آنچه را (به عنوان مهریه) به آنان داده اید پس بگیرید، مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند، و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید، و اگر (به علتی) از آنان نفرت داشتید (باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید) چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد.

۹- اگر زنی طلاق می گرفت و می خواست با شوهر اولش مجدداً ازدواج نماید، میل و رغبت زن دخالتی نداشت و مردان فاضل و قبيله مانع می شدند. قرآن صریحاً اعلام فرموده:

... وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضَلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ زَكَاةٌ لَكُمْ وَ أَطَهَرُوا اللَّهَ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره ۲۳۲/۲۳۳)

- و زمانی که زنان را طلاق دادید ، و به پایان عده خود رسیدند ، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود ، در صورتی که میان خودشان به روشی شایسته و متعارف توافق کنند ، باز مدارید. با این (حکم) کسانی از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارند ، پند داده می شوند. این برای شما سودمندتر و پاکیزه تر است و خدا (مصالح شما را در همه امور) می داند و شما نمی دانید.

۱۰- مشرکین ، ملائکه را دختران خدا می دانستند . قرآن این ایده خرافی را مورد نکوهش قرار داده است :

- فَاسْتَفْتِهِمُ الرَّبِّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبُيُوتُ * اَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَ هُمْ شَاهِدُونَ * اَلَا اِنَّهُمْ مِنْ اِفْكِهٍ لَيَقُولُونَ * وُلِدَ اللهُ وَ اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * اصطفى البنات على البنين (اصافات ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹)

- (مشرکان سبک مغز می گویند: فرشتگان ، دختران خدایند) پس از آنان بپرس که آیا دختران برای پروردگار تو هستند و پسران برای ایشان؟! * یا اینکه ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان شاهد بودند؟! * آگاه باش ! که آنان از بافته های دورغ خود می گویند * که خدا فرزند آورده ! و بی تردید آنان دروغگویند * آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است ؟

۱۱- در پایان ، مناسب می بینم تمام کارهای ناشایسته ای را که خداوند یکایک برشمرده و مردم را از آنها برحذر داشته است ، بعنوان حسن ختام ، ذیلاً تقدیم گردد :

- قُلْ تَعَالُوا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ اَلَا تَشْرِكُوْا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اَمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ اٰبَآهٖمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللهُ اَلَا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُمُ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْتَلُونَ * وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ اَشُدَّهُ وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ لَآ تَكْلَفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا وَ اِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَ بَعْدَ اللهِ اَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُمُ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (انعام ۱۵۱/۶ و ۱۵۲)

- بگو : بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم : اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید ، و به پدر و مادر نیکی کنید ، و فرزندانتان را از (ترس) تنگدستی نکشید ، ما شما و آنان را روزی می دهیم ،

و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید ، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید ، خدا این (گونه) به شما سفارش کرده تا بیندیشید. * و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است ، نزدیک نشوید تا به حد بلوغ (بدنی و عقلی) خود برسد ، و پیمانہ و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید ، هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم ، و هنگامی که سخن گوید ، عدالت ورزید هرچند درباره خویشان باشد ، و به پیمان خدا وفا کنید ، خدا این (گونه) به شما سفارش کرده تا پند گیرید.

■ والسلام